

گاهنامه هنر و مبارزه

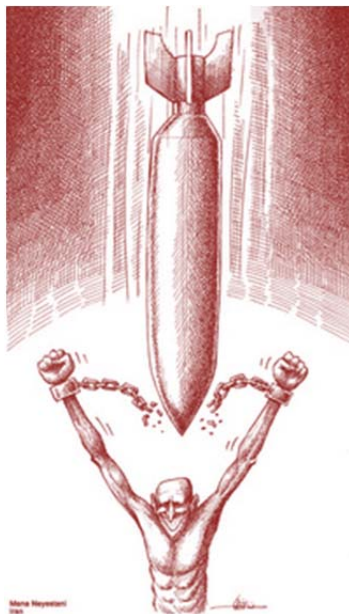
۱۲ ژانویه ۲۰۱۲

درباره « شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران »

و «نشریه رادیکال (شماره ۶)» (۱)

هم زمان با ارسال نقدی که درباره نوشته منوچهر صالحی تحت عنوان «تجربه های شکست خورده سازمان سازی در ایران» نوشته بودم، ایمیلی از سوی « شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران » دریافت کردم، و با خواندن یکی از مقالاتی که مهمتر از همه به نظرم می رسید یعنی مقاله «خطر جنگ و ضرورت تأکید بر سیاست چپ رادیکال» نوشته پژمان رحیمی، فکر می کنم تا حدودی زیادی بتوانیم این نشریه را نیز به مقاله پیشین و موضوع روز خودمان یعنی «سازمان سازی» (در ایران یا در خارج از ایران؟) ضمیمه کنیم.

در پاسخ به ایمیل آنها من مطالبی برایشان فرستادم که در این جا با شاخ و برگ بیشتری باز نویسی می کنم. تمرکز من تنها روی بخش پایانی مقاله خواهد بود که در زیر به رنگ سرخ مشخص کرده ام :



«تجربه‌ی حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست کارگری عراق در همراهی و هم‌کاری با متجاوزین به عراق نمونه‌ی خوبی از برنامه و دیدگاه این بخش از چپ است که تنها نگاهشان به هرم قدرت و نقش‌آفرینی در آن از طریق ابزارهایی همچون صندوق انتخابات، جنگ‌هراسی یا حتا همراهی و مشارکت با اشغال‌گران است.»

بدین ترتیب وظیفه‌ی چپ رادیکال تأکید بر محتوای ساختاری جنگ امپریالیستی است تا از این طریق کارکرد و گزکارکرد "دولت سرکش" جمهوری اسلامی در چهارچوب منافع منطقه‌ای و عمومی سرمایه‌ی جهانی نیز مشخص شود و از این زاویه است که مبارزه با کلیت نظام جمهوری اسلامی، سمت و سوی سوسیالیستی و در عین حال خصلتی ضدجنگ و ضدسرمایه‌داری به خود می‌گیرد.

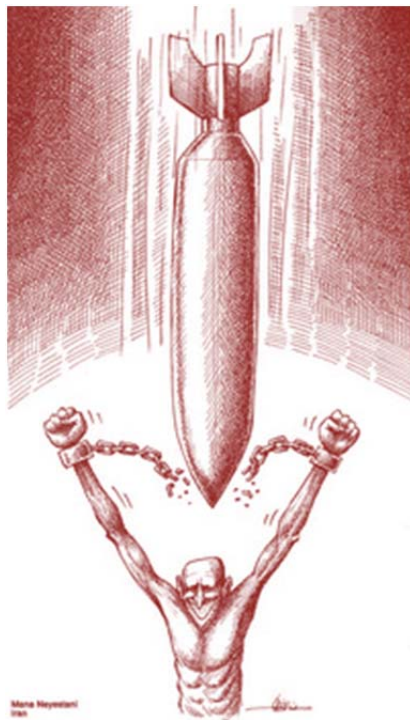
تلاش برای سازماندهی مردمی در جهت برنامه‌ راه بردی کمونیستی علیه نماینده‌ی طبقاتی سرمایه‌داری – دولت جمهوری اسلامی – و افشای اهداف سرمایه‌ی بین‌المللی در به کارگیری روی کرد دوگانه‌ی «مماشات و معامله» یا اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی در دستور کار نیروهای چپ و انقلابی قرار دارد و در این مسیر اتحاد و هم‌بستگی نیروهای رادیکال و انقلابی در جهت تلاش برای طرح آلترناتیو سوسیالیستی و انقلابی و تدارک برای شکل‌گیری آن ضروری است. خطر جنگ برای ما فرصتی دوباره برای تأکید بر سازماندهی انقلابی برای دخالتگری آگاهانه‌ی توده‌ها در سرنوشت خویش است.»

ما در این جا باز هم باید روی ضرورت بررسی و شناخت هر چه بیشتر سازمان‌سازی‌ها و جریانات اپوزیسیون «انیرانی و ایرانی» تأکید کنیم، و یک بار دیگر از یادآوری‌های منوچهر صالحی در مقاله «تجربه‌ شکست خورده‌ سازمان‌سازی در انیران» قدردانی به عمل بیاوریم. و قدردانی در این جا به مفهوم واقعی کلمه یعنی تداوم و گسترش بحث، و اگر به نتایج فاجعه‌بار اپوزیسیون‌های انیرانی و چپ‌نما نیز بیاندیشیم، بی‌گمان سکوت اختیار کردن عین هم‌کاری با آنها خواهد بود.

اگر خوانش خودمان را از مقاله «خطر جنگ و ضرورت تأکید بر سیاست چپ رادیکال» تنها به کاریکاتوری محدود کنیم که در واقع می‌خواهد لب‌کلام را با تصویری صریح بیان کند، بمبی را می‌بینیم که زنجیر اسارت را از هم گسسته است. و با توجه به محتوای خود مقاله، این تصویر به این معنا است که حمله‌ی نظامی احتمالی ایالات متحده به ایران زنجیر اسارت را از هم خواهد گسست، و با توجه به حرکت پرسوناژ، گویی که اساساً منتظر چنین بمبی بوده و زنجیر را دقیقاً در جایی در بالای سرش گرفته که بمب دقیقاً به زنجیر اصابت کند، و

علاوه بر این مانند قهرمان وزنه داری در حال برداشتن پیروزمندانه وزنه ای سنگین است.

با این وجود تناقضی در این تصویر هست که کاملاً با تناقض خود متن تحلیلی «شورای دانشجویان و جوانان چپ» هم خوانی پیدا می کند. یعنی مفهومی قطعاً در نیت کاریکاتوریست بوده، ولی در نیت آن فردی که آن را برای این مقاله انتخاب کرده نبوده. ولی در نیت کاریکاتوریست به شکل اجتناب ناپذیری وجود دارد، و آن هم اتفاقی است که پس از پاره شدن زنجیر اسارت روی خواهد داد، یعنی این که بمب رهایی بخش – بمب بشر دوستانه – در عین حال همان بمبی خواهد بود که برده زنجیری (بخوانید دیوانه زنجیری) را نیز به خاکستر تبدیل خواهد کرد.



در قطعه ای که به نقل آوردیم، تشابه خط مشی این به اصطلاح کمونیست های جوان رادیکال را با خط مشی اپوزیسیون های طرفدار ناتو و جنگ علیه ایران از جمله «حزب کمونیست کارگری ایران» یعنی دار و دسته آذر ماجدی و منصور حکمت فقید را کاملاً مشاهده می کنیم.

و کاملاً می بینیم که این «شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران» چگونه تا تأیید جنگ امپریالیستی علیه عراق و کشتار میلیون ها آدم پیش می رود. یعنی موضوعی که حتی خود کشور متهاجم هم دیگر مهر تأیید بر آن نمی زند و در برخی موارد حتی ممکن است، در معمولی ترین حالت، از کار خود اظهار شرمساری کند. ولی در مورد این به اصطلاح دانشجویان و جوانان، ضرب المثل «کاسه داغ تر از آش» جنگ جنایتکارانه و نسل برانداز در این جا واقعا مفهوم واقعی خود را پیدا می کند، و چهره استعمارزده برجسته تر از همیشه خودش را نشان می دهد، زیرا استعمار زده در تمجید و تجلیل از اعمال استعمارگر از خود استعمارگر باید پیشی بگیرد تا شایسته جایگاه ممتاز استعمار زده صاحب امتیاز باشد. و بر این اساس است که «شورای دانشجویان و جوانان چپ» از «تجربه‌ی حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست کارگری عراق در همراهی و همکاری با متجاوزین به عراق ... همراهی و مشارکت با اشغال‌گران.» حرف می زند.

تناقضات شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران در این جا است که از یک سو از هم کاری با متجاوزین حرف می زند و از سوی دیگر برای چنین جنگی و چنین هم کاری هایی «سمت سوی سوسیالیستی و در عین حال خصلتی ضد جنگ...» قائل می شود. چرا؟ فقط به این علت که شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران اراده کرده است. « دو تا شانزده تا، کی به کیه؟»

در این جا با بخشی از مطالبی که در پاسخ به ایمیل آنها نوشتم این مقاله را به پایان می برم.



رفقای شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران، شما کمونیست نیستید، بلکه یک عده دیوانه هستید که هذیان هایتان را به جای مبارزه طبقاتی گرفته اید.

می خواهید با جنگ امپریالیستی مماشات و معامله کنید؟ آیا اساساً شما ها در وضعیتی هستید که بتوانید عملکرد و رویکرد تهاجمات

بزرگترین ارتش امپریالیستی تمام تاریخ بشریت را به نفع ساختمان سوسیالیستی هدایت کنید؟ می خواهید با حمله نظامی و اشغال نظامی کشور خودتان توسط امپریالیست ها هم کاری کنید؟ آیا فکر کرده اید، که برای این ساختمان سوسیالیستی که شماها خودتان معماران آن معرفی می کنید، چند تا ندا آقا سلطان را باید بکشید؟ فکرش را کرده اید؟

با جنگ امپریالیستی مثل دار و دسته آذر ماجدی علیه مردم ایران تباری کنید که دولت سوسیالیستی ایجاد کنید؟ شما ها کمونیست نیستید، در بهترین حالت یک عده دیوانه و خیالاتی هستید، و در بدترین حالت مرسونر ارتش آمریکا در ایران، این آن چیزی است که شماها هستید، البته متأسفانه.

کمونیست مرسونر و متحد ارتش امپریالیستی ندیده بودیم که حالا داریم می بینیم.

موضوع این جا است که شما با چنین تحلیل هایی و چنین معاملاتی به روشنی نشان می دهید که هیچ تصویری از چگونگی جنگ احتمالی ناتو علیه ایران ندارید، و همین موضوع شما را به عنوان تحلیل گر امور استراتژیک و مارکسیست بی اعتبار می سازد.



چهره امپریالیسم جهانی و نسل نوینی به نام کودکان هیولایی

و شما هیچ تصویری از قدرت و واکنش ارتش ایران نیز ندارید، هیچ تصویری از واکنش توده های مردمی که مورد حمله قرار گرفته اند ندارید. همین مردمی که شما می خواهید آنها را به بریگاد سرخ تبدیلشان کنید، به محض این که پی ببرند شماها با دشمنان ایران معامله کرده اید و مماشات کرده اید، همان ها شما را تکه پاره خواهند کرد کار اساسا به دادگاه های جمهوری اسلامی و محاکمه صحرایی شما ها به دلیل اقدام علیه امنیت کشور و جاسوسی و غیره نیز نخواهد کشید. شما افرادی مثل من را باید متقاعد کنید که با جنایتکار ترین و آدم کش ترین و آدم خورترین نظام تمام تاریخ بشریت مماشات و معامله کنم، که با بانک های امپریالیستی مماشات کنم که بیایند کشور مرا با بمب های اتمی تاکتیک بمباران کنند و میلیون ها نفر را بکشند و تمام زیر ساخت های کشور را نابود کنند، و بعد هم مملکت را بسپرنند دست شما و آذر ماجدی که ایران را آباد کنید.

می خواهید جنگ خانگی راه بیاندازید؟

با چند نفر از ارتش سرخ خلقی تان می خواهید به قتل عام مردم ایران آری بگویید؟ چند نفر هستید؟ چی دارید؟ از کجا آورده اید؟ هدفتان چیست؟

کمونیست ها برای جان آدمیزاد ارزش قائل هستند، و این طوری که شما تصادفات اتمی را با کشتارهای جنگی مقایسه می کنید اساسا شرم آور است.

صد رحمت به حزب الله

حمید محوی

پانویشت

()

www.shorayejavanan.com